

The social impact of charity in the Qur'an with an emphasis on the interpretative view of Ayatollah Khamenei

Akbar Orvati Movaffagh¹

Abstract

Considering the fact that one of the most important problems of today's society is the problem of poverty and class gap between members of the society, it is very important to address the issue of charity from the perspective of the Holy Qur'an, one of the most important ways to overcome this problem. In addition to being considered a moral virtue, charity balances the society and fills social gaps, and in addition to the positive effects in the worldly and hereafter life of a person, it also has a very deep impact on social life. The purpose of this research is to investigate the social impact of charity in the Quran with emphasis on the interpretative view of Ayatollah Khamenei. This research, with a descriptive-analytical method, has studied the verses of the Holy Quran and the opinions of commentators, especially Ayatollah Khamenei's view on the social impact of charity.

Emphasizing the social dimension of charity, Ayatollah Khamenei points out a very important point in the interpretation of verses related to charity, which has been overlooked by other respected commentators of the Holy Quran, especially contemporary commentators. The results of this research show that according to Ayatollah Khamenei, first of all, the verses of giving in the Qur'an are not an expression of a moral ruling, but rather an expression of a religious duty. Secondly, giving will be giving when it has an existential effect and leads to filling a void and fulfilling and solving a real and true need; Otherwise, any spending is not charity.

Keywords: Ayatollah Khamenei; community; giving interpretation; The Holy Quran

1. Associate Professor, Department of Islamic Studies, Bo Ali Sina University, Hamadan, Iran.
a.orvatimovaffagh@basu.ac.ir



تأثیر اجتماعی انفاق در قرآن با تأکید بر دیدگاه تفسیری آیت الله خامنه‌ای

اکبر عرونی موفق^۱

چکیده

با عنایت به این موضوع که یکی از مهم‌ترین مشکلات جامعه امروز، مسئله فقر و شکاف طبقاتی بین آحاد جامعه است، پرداختن به بحث انفاق از دیدگاه قرآن کریم، یکی از مهم‌ترین راه‌کارهای برون‌رفت از این مشکل بسیار مهم است. انفاق اضافه بر اینکه یک فضیلت اخلاقی محسوب می‌شود، باعث تعادل اجتماع و پر کردن شکاف‌های اجتماعی است و علاوه بر آثار مثبت در زندگی دنیوی و اخروی فرد، در زندگی اجتماعی نیز تأثیر بسیار عمیقی دارد. هدف این پژوهش بررسی تأثیر اجتماعی انفاق در قرآن با تأکید بر دیدگاه تفسیری آیت الله خامنه‌ای است. این تحقیق، با روش توصیفی-تحلیلی به تتبع در آیات قرآن کریم و نظرات مفسران، به‌ویژه، دیدگاه آیت الله خامنه‌ای درباره تأثیر اجتماعی انفاق پرداخته است.

آیت الله خامنه‌ای با تأکید بر بُعد اجتماعی انفاق، به نکته بسیار مهمی در تفسیر آیات مربوط به انفاق اشاره می‌فرماید که از نگاه سایر مفسران محترم قرآن کریم، به‌ویژه مفسران معاصر، مغفول مانده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که از نظر آیت الله خامنه‌ای، اولاً آیات انفاق در قرآن، بیان یک حکم اخلاقی نیست، بلکه بیان یک فریضه شرعی است؛ ثانیاً انفاق زمانی خواهد بود که اثر وجودی داشته و منجر به پرکردن یک خلأ و برآوردن و برطرف نمودن یک نیاز واقعی و راستین گردد؛ وگرنه هر خرج کردنی انفاق نیست.

کلیدواژه: آیت الله خامنه‌ای؛ اجتماع؛ انفاق؛ تفسیر؛ قرآن کریم.

۱. دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. a.orvatimovaffagh@basu.ac.ir

انفاق، یکی از فضایل مهم اخلاقی، تربیتی، اجتماعی است که در اسلام به آن سفارش شده است؛ به همین جهت، قرآن کریم به طور مبسوط، به آن پرداخته و اضافه بر واژه «نفق» و مشتقات آن که بیش از ۷۰ بار و غالباً به معنای اصطلاحی آن در قرآن آمده، با عبارات دیگری مانند: صدقه یا صدقات، زکات با مشتقات آن، اعطاء، ایتاء، جهاد کردن با مال، قرض الحسنه دادن به خداوند، اطعام رزق و... به آن اشاره شده است. همچنین آیات مربوط به برخی تکالیف مالی، مانند پرداختن زکات یا کفاره را می‌توان از مصادیق انفاق، به معنای عام آن نیز دانست. قرآن با تعبیر گوناگونی، مؤمنان را به انفاق در راه خدا دستور داده است. در آیات متعددی که توصیه به انفاق یا توصیف انفاق‌کنندگان را در بردارد، انفاق هم‌رتبه اعمال خیر و عبادات بزرگ محسوب گردیده که این مسئله، بیانگر اهمیت و جایگاه بالای انفاق در اسلام است. به همین دلیل، مفسرین قرآن کریم در ذیل آیاتی که در مورد انفاق است، ابعاد و زوایای گوناگون آن را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. انفاق شکاف طبقاتی اجتماعی را از بین برده و ارزش‌های اسلامی را در جامعه حاکم می‌گرداند. انفاق رابطه تنگاتنگی با برقراری عدالت و امنیت در جامعه دارد و ضامن تحکیم عدالت اجتماعی و اقتصادی، تعدیل ثروت‌ها، تبرج، ثروت‌اندوزی و پیشرفت همگانی است که به دنبال آن امنیت اجتماعی، اخلاقی و روانی در جامعه حاکم می‌گردد. آثار اجتماعی انفاق از منظر علمی مثل جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد و... نیز قابل بررسی است. فارغ از ابعاد عرفانی، اخلاقی و تربیتی انفاق، این امر با عنوان یک دستور اجتماعی در راستای ایجاد جامعه، منهای فقر و اجرای عدالت و حضور عدالت در زندگی مردم، واجب شمرده شده است. اسلام از آغاز به آثار گوناگون و شوم فقر توجه داده است تا جایی که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «كَأَدَّ الْفَقْرَانِ يَكُونُ كُفْرًا..» (حکیمی و همکاران، ۱۳۸۳/۴: ۴۲۲) و فقر را نزدیک به آن شمرده که به صورت عاملی برای بزرگ‌ترین سقوط در زندگی انسان (که کفر و بی‌ایمانی است) درآید و مهم‌ترین زیان را به تربیت و رشد انسانی فرد و جامعه وارد آورد. (حکیمی، ۱۳۸۹: ۱۸۲) این حدیث و احادیثی این‌چنینی، بیان‌کننده این واقعیت است که مصیبت فقر و فاجعه آن تنها در این نیست که شکم فقیر گرسنه و تن او برهنه است، بلکه انسان محروم ممکن است از هرگونه سرمایه حیات ابدی که ایمان و عمل به احکام و دستورات گوناگون دین است نیز محروم بماند. آثار شوم فقر طبیعتاً محدود به افراد و اشخاص و خانوارها نمی‌شود، بلکه در سطح جامعه نیز

اثر گذاشته و پیامدهای ناگوار و ناهنجار اجتماعی را به همراه خواهد داشت. به همین جهت، قرآن کریم در راستای جامعه‌سازی قرآنی، دستوراتی در مورد انفاق بیان فرموده است. در این مقاله که به روش توصیفی-تحلیلی به نگارش درآمده، آثار اجتماعی انفاق در قرآن کریم با تأکید بر آراء و نظرات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مورد بررسی قرار گرفت. آیت‌الله خامنه‌ای در جلسات درس، دیدارها و سخنرانی‌های خود از حدود سال ۱۳۵۱ به مسئله انفاق در قرآن، به عنوان یک مسئله مهم اجتماعی پرداخته و در کنار تأکید به بُعد اجتماعی انفاق به نکته بسیار مهمی در تفسیر آیات مربوط به انفاق اشاره می‌فرماید که از نگاه سایر مفسران محترم قرآن کریم، به‌ویژه مفسران معاصر، مغفول مانده است. از نظر ایشان اولاً آیات انفاق در قرآن بیان یک حکم اخلاقی نیست، بلکه بیان یک فریضه شرعی است. (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۶۶/۰۷/۲۴)؛ ثانياً انفاق زمانی انفاق خواهد بود که اثر وجودی داشته و منجر به پر کردن یک خلأ و برآوردن و برطرف نمودن یک نیاز واقعی و راستین گردد؛ وگرنه هر خرج کردنی انفاق نیست.

۲. پیشینه

در باره مسئله انفاق، تحقیقات گوناگونی نوشته شده و از ابعاد و زوایای گوناگون آن را بررسی نموده‌اند؛ از جمله:

۱. کاظمی و داوودی (۱۳۹۹) در مقاله "نسبت نقش اجتماعی و اقتصادی انفاق از منظر قرآن" شرایط انفاق (ایمان، پرهیز از منت گذاشتن، خودداری از ریا در انفاق، انفاق از مال حلال و هم‌چنین مال با ارزش) و تأثیرات اجتماعی-اقتصادی انفاق (همدردی با محرومین و مستضعفین جامعه، فقرزدایی از جامعه، تعدیل ثروت و جلوگیری از فاصله طبقاتی در جامعه، زیاد شدن مال و ثروت، جلوگیری از فساد در جامعه، رساندن فرد به سعادت دنیوی و اخروی، ایجاد همبستگی در بین افراد جامعه اسلامی) را مورد بررسی قرار داده‌اند.

۲. جمالی و خلیلیان اشکذری (۱۳۹۹) نیز در مقاله "انفاق، ایثار و مواسات مالی و نقش هریک در توزیع درآمد و ثروت جامعه اسلامی" معتقدند، انفاق، ایثار و مواسات مالی آثار و برکات فراوانی را به دنبال دارد؛ از جمله تضمین پرداخت داوطلبانه، تقویت قرابت و نزدیکی مردم با نظام اسلامی، عدالت اقتصادی، کاهش فقر، امنیت اقتصادی، کاهش فاصله طبقاتی، تأمین اجتماعی، حذف واسطه‌های غیرلازم، ایجاد محبت و صمیمیت میان مردم، تسریع ظهور آثار توزیع



ثروت، اشتیاق مردم به توزیع ثروت، صرفه جویی در هزینه های توزیع، تعدیل ثروت، تعدیل توزیع ثروت و درآمد، کاهش مشکلات و معضلات اجتماعی در این مقاله، مورد بررسی قرار گرفته است.

با بررسی های به عمل آمده مشخص شد که در زمینه آراء و نظرات تفسیری آیت الله خامنه ای درباره انفاق، پژوهشی انجام نشده است؛ لذا در این مقاله برای اولین بار، تأثیر اجتماعی انفاق بر اساس دیدگاه تفسیری آیت الله خامنه ای مورد بررسی قرار می گیرد.

۳. معنانشناسی انفاق

۳-۱. معنای لغوی

واژه انفاق از ریشه «نَفَقَ» به معنای کم شدن، نابود شدن، هزینه کردن، مخفی کردن و پوشاندن است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۵۸/۱۰؛ فیروزآبادی، ۱۴۲۶: ۹۲۶؛ ابن فارس، ۱۳۹۹: ۴۵۴/۵) در مفردات نیز این گونه آمده است: «نَفَقَ الشَّيْءُ مَضَى وَ نَفَدَ؛ شیء رفت و تمام شد.» از نظر راغب، انفاق از آن رو به بخشیدن مال اطلاق می شود که با بخشش، به ظاهر، مال فنا و زوال می یابد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۱۹) در قاموس قرآن نیز نفق به معنای خروج یا تمام شدن است. (قرشی، ۱۳۶۱: ۹۷/۷) در لغت نامه های فارسی هم به معانی نفقه دادن، نفقه کردن، خرج کردن و هزینه کردن آمده است. (معین، ۱۳۷۱: ۳۸۴/۱؛ عمید، ۱۳۶۰: ۱۹۸)

۳-۲. تعریف انفاق

إنفاق به معنی صرف کردن مال در مصارف نیکوکارانه است. در قرآن کریم و متون دینی، انفاق اصطلاحاً به بخشیدن مال یا چیزی دیگر در راه خدا به فقیران و دیگر راه های مورد نیاز گفته می شود. این کلمه در قرآن کریم، یکی از ارکان اصلی عمل صالح، و یکی از ویژگی های مؤمنان و پارسایان است و مورد تأکید قرار گرفته است. فخر رازی انفاق را به معنی بیرون کردن مال از دست بیان کرده است. (فخر رازی، ۱۳۸۶: ۶۵۸/۲) به عبارت دیگر، در اصطلاح، انفاق بیرون کردن مال از ملک و قرار دادن آن در ملک دیگری است که یا از طریق صدقه و یا از بخشش کردن مال های خویش در راه جهاد و دین و هر آنچه خدا بدان فرمان داده است، می باشد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۱۵/۲)

۳-۳. معنای اصطلاحی انفاق از دیدگاه آیت الله خامنه ای

آیت الله خامنه ای در بحث معنانشناسی انفاق، به نکته بسیار مهمی توجه دارند

که معمولاً مورد غفلت واقع شده و در بیان مفسرین و شارحین قرآن کریم، مورد توجه قرار نگرفته است. ایشان معتقدند، انفاق با خرج کردن متفاوت است: «انفاق خرج کردن است، اما نه هر خرج کردنی؛ انفاق آن خرج کردنی را می‌گویند که با آن خلئی پر بشود؛ یک نیاز راستینی برآورده شود.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۴۰) از نظر ایشان اصل انفاق و بالاترین حد آن، این است که فردی یک خلأ ساختاری و اساسی را در جامعه شناسایی پر کند؛ لذا کار انسان‌های باهوش و عاقل این است که خلأ یک ملت را در کلان مسئله، شناسایی کرده و آن را پر می‌کنند. انفاق واقعی، انفاق انسان‌هایی است که نخست خلأها و نیازها را شناسایی می‌کنند و سپس با حضور به موقع و مؤثر به دنبال پر کردن خلأها و نیازها هستند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۴۱) با این تعریف از نگاه ایشان ممکن است کسانی مبالغ هنگفتی را به ظاهر، برای کارهای نیک و خیر هزینه نمایند، ولی انفاق محسوب نگردد؛ چراکه این اقدام آن‌ها منجر به پر کردن خلئی نگردد. آیت‌الله خامنه‌ای با استناد به آیه کریمه: «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالاً الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يُحْسِبُونَ أَنَّهم يُحْسِنُونَ صُنْعًا؛ بگو: آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه گردانم؟ [آنان] کسانی‌اند که کوشش‌شان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می‌پندارند که کار خوب انجام می‌دهند.» (کهف/ ۱۰۳-۱۰۴) می‌فرمایند: «این زروزیورهایی که بر پیکر گرسنه یک عده مردم آویخته می‌شود، این پیرایه‌های زیادی و دروغین، این‌ها انفاق نیست؛ چرا؟ چون خلئی را پر نمی‌کند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۴۰) پس از نظر ایشان، انفاق عبارت است از پر کردن خلأ و نیاز موجود در متن جامعه. (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۵۸)

۴. انفاق در قرآن

همان‌طور که بیان گردید، انفاق، واژه‌ای قرآنی، به معنی صرف کردن مال و... در مصارف نیکوکارانه، است. این واژه در قرآن کریم یکی از پایه‌های اصلی عمل صالح و یکی از ویژگی‌های مؤمنان و تقوا پیشگان است و مورد تأکید قرار گرفته است. با توجه به ابعاد و زوایای گوناگون انفاق، از جمله بُعد تربیتی و اخلاقی آن، اغلب مفسران متأخر به این عمل بیشتر از زاویه توزیع ثروت و کاستن محرومیت‌های اقتصادی و اجتماعی نگرسته‌اند.

۴-۱. آثار اجتماعی انفاق

از نظر علامه طباطبائی، یکی از بزرگترین و مهم‌ترین مسائلی که اسلام در یکی از دو رکن حقوق الناس و حقوق الله مورد اهتمام و توجه قرار داده و به شیوه‌های



گونگون، مردم را به آن ترغیب و وادار نموده، انفاق است. قرآن کریم برخی از انفاقات، از قبیل زکات، خمس، کفارات مالی و اقسام فدیة را واجب نموده و برخی دیگر از صدقات و اموری از قبیل وقف، وصیت‌ها، بخشش‌ها و غیر آن را مستحب، اعلام نموده است. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۸۷/۲) مهم‌ترین هدف و غرض اجتماعی از توجه به مسئله انفاق، این بوده که بدین وسیله طبقات پائین جامعه را که بدون کمک مالی از ناحیه دیگران، قادر به برآورده کردن حوائج و نیازهای زندگی خود نیستند، مورد حمایت قرار داده و سطح زندگی‌شان را بالا ببرد تا از این طریق، افق زندگی طبقات مختلف را به هم نزدیک ساخته و اختلاف میان آنها را از جهت ثروت و نعمات مادی، کم نماید.

انفاق وظیفه‌ای بسیار مهم و تأثیرگذار در التیام دردهای اجتماع است. جامعه انسانی در حکم یک تن واحد، ولی با اعضای مختلف است؛ اعضا بدن هر چند اسامی و اشکال مختلف دارند، اما در مجموع، یک تن را تشکیل می‌دهند و در تأمین غرض و هدف زندگی متحد هستند؛ از اثرگذاری نیز کاملاً مرتبط به هم هستند. وقتی صحت و سلامت یکی از اعضا دچار اختلال می‌گردد، به حسب ظاهر، یک عضو آسیب دیده، ولی در حقیقت، تمام بدن در عملکرد خود، کند و سست می‌گردد؛ به بیان و تعبیر سعدی شیرازی:

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار
(سعدی، ۱۳۶۳: ۴۷)

علامه طباطبایی در این باره، می‌فرماید: «اگر یک فرد از افراد جامعه که عضوی از یک مجموعه است، دچار فقر و احتیاج شد و ما با انفاق خود وضع او را اصلاح کردیم، هم دل او را از رذائلی که فقر در او ایجاد می‌کند، پاک کرده‌ایم و هم چراغ محبت را در دلش ایجاد نموده‌ایم و هم زبانش را به گفتن خوبی‌ها به راه انداخته‌ایم و هم او را در عملکردش نشاط بخشیده‌ایم و این فوائد عاید همه جامعه می‌شود؛ چون همه افراد جامعه به هم مربوط هستند؛ پس انفاق یک نفر، اصلاح حال هزاران نفر از افراد جامعه است.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳۷۴/۲) ۵۹۵) آیت‌الله مکارم، از جمله آثار خوشایند گسترش انفاق در جامعه را نقش مهم آن در گسترش امنیت و سلامت جامعه دانسته و آن را از لوازم حیات اجتماعی شمرده‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۹۶/۲۱) از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، علاج فقر در جامعه، فقط یک وظیفه حکومتی نیست. مردم نیز در این موضوع نقشی مهم بر عهده دارند: «علاج فقر به شکل اصولی در هر جامعه‌ای، از راه استقرار عدالت اجتماعی و نظام عادلانه در محیط جامعه است... این یک وظیفه دولتی و

حکومتی است؛ اما مردم هم به نوبه خود، وظیفه سنگینی بر دوش دارند. اجرای برنامه‌های اجتماعی فقط در بلندمدت و میان‌مدت و به تدریج امکان‌پذیر است؛ اما نمی‌شود منتظر ماند تا برنامه‌های اجتماعی به ثمر برسد و شاهد محرومیت محرومان و فقر گرسنگان در جامعه بود. این وظیفه خود مردم و همه کسانی است که می‌توانند در این راه تلاش کنند.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۰۹/۱۵: خطبه‌های نماز عید فطر)

ایشان معتقدند، انفاق فقط یک حکم اخلاقی نیست، بلکه یک فریضه شرعی است؛ لذا آن کسانی که در طبقات بالاتر اجتماعی و اقتصادی بوده و دارای بهره‌مندی‌های بیشتری هستند، درآمدهای بیشتر دارند؛ امکانات بیشتری داشته و توانسته‌اند بیشتر بهره‌مند بشوند؛ اینها دارای مسئولیت و تکلیف بیشتری هستند؛ لذا قابل قبول نیست که افراد و طبقات برخوردار، خودشان را برکنار بدارند. ایشان بر این باورند که به طور قطع، قرآن کریم در مسائل مربوط به جامعه اسلامی در بحث انفاق، به صورت تعارف و توصیه‌های اخلاقی حرف نمی‌زند: «[انفاق] یک وظیفه است؛ یک تکلیف است نه فقط یک حکم اخلاقی. این همه آیات انفاق در قرآن، بیان یک حکم اخلاقی نیست؛ بیان یک فریضه شرعی است. شما ببینید لحن «انفقوا» در قرآن، همان لحن «جاهدوا فی سبیل الله» است. «انفقوا فی سبیل الله»، «جاهدوا فی سبیل الله»، یک جور حرف زده؛ یک جور مردم را مخاطب قرار داده و این یکی از آن نکات مهمی است که طی مباحث اقتصادی اسلام، حتماً باید به آن توجه بشود؛ بحث مسئولیت عمومی به تناسب امکانات و به تناسب بهره‌مندی‌ها در مقابل نیازهای عمومی، در مقابل دفاع از کشور، دفاع از مرزها، دفاع از نوامیس، دفاع از نظام اسلامی و در مقابل بقیه تهاجم‌هایی که می‌شود. این یکی از وظایف و فرایضی است که بر دوش مردم است.» (خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۰۷/۲۴: خطبه‌های نماز جمعه تهران)

۴-۲. انفاق شرط ایمان و تقوا

در آیات متعددی از قرآن کریم، انفاق از شروط و نشانه‌های ایمان و تقوا ذکر شده است؛ از جمله در آیه ۱۳۴ سوره آل عمران، بعد از آنکه خداوند به تقوای پیشگان وعده بهشت جاویدان داد، به معرفی متقین و بیان صفات آن‌ها پرداخته و آن‌ها را معرفی می‌نماید. در این قسمت، پنج صفت از اوصاف عالی و انسانی برای آن‌ها ذکر نموده است. نکته بسیار مهمی که در ذکر این صفات پنج‌گانه مشهود است، توجه به بُعد اجتماعی تقواست. نخستین صفت برجسته تقوای پیشگان این است که آنان در همه حال انفاق می‌کنند؛ چه موقعی که در راحتی و وسعتند و چه زمانی



که در پربشانی و محرومیت هستند: **الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَاءِ وَالضَّرَاءِ**، (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۹۶/۳) علامه طباطبایی می‌فرماید: «کلمه «سراء» به معنای پیشامدی است که مایه مسرت انسان است و کلمه «ضراء» نیز برخلاف آن، به معنای هر چیزی است که مایه بدحالی آدمی می‌شود. ایشان در ادامه، این احتمال را هم می‌دهند که ممکن است این دو واژه را به معنای دو کلمه «یسر» و «عسر» یعنی آسانی و دشواری نیز گرفت. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۸/۴) طبرسی نیز معتقد است، در معنی «سراء» و «ضراء»، دو قول وجود دارد: در قول نخست که منتسب به ابن عباس است این دو واژه به معنی درحال تنگدستی و گشادگی و وسعت است و در قول دوم به معنای درحال خوشی و اندوه؛ یعنی این حالات روحی هرگز مانع بخشش آنها نمی‌شود. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۵۴/۴) آیت الله خامنه‌ای، این دو واژه را به معنای خوشی و ناخوشی دانسته و معتقدند، یکی از نشانه‌های انسان‌های باتقوا و بلکه یک شرط باتقوا بودن این است که افراد خوشی و ناخوشی انفاق نمایند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۴۱ و ۴۰)

در سوره ذاریات نیز خداوند سیره متقین نسبت به درگاه خدای سبحان را بیان می‌نماید. متقین شب‌زنده‌دارند و در سحرها استغفار می‌کنند؛ در ادامه در آیه ۱۹، سیره تقوای پیشگان را در برابر جامعه و مردم بیان نموده و می‌فرماید: «وَأَنانَ بِه سائل و محروم کمک مالی می‌کنند: **وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ**،» (ذاریات/۱۹) و اما اینکه فرمود: در اموال آنان حقی است برای سائل و محروم با اینکه حقی مذکور صرفاً در اموال و مسائل مالی آنان نیست، در اموال همه هست، «برای این بوده که بفهماند متقین با صفایی که در فطرت‌شان هست، این معنا را درک می‌کنند و خودشان می‌فهمند که سائل و محروم حقی در اموال آنان دارد و به همین جهت، عمل هم می‌کنند تا رحمت را انتشار داده، نیکوکاری را بر امیال نفسانی خود مقدم بدارند.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵۵۴/۱۸) آیت الله خامنه‌ای هم در ذیل این آیه کریمه، انفاق را در جامعه، حقی مسلم سائل و محروم دانسته و می‌فرماید: «واقعاً برای محرومان حق قائل باشد؛ یعنی این را حق آنها بر خودش بداند؛ تفضل خودش بر دیگران نداند؛ قرآن این طوری می‌گوید؛ نمی‌گوید که شما به دیگری تفضل می‌کنید؛ می‌گوید او در مال شما حق دارد؛ "حق للسائل والمحروم". در جای دیگر می‌فرماید: **حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلْسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ**، (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۲/۱۴: بیانات در دیدار مسئولان کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره))

۴-۳. متعلق انفاق

عبارت **مَارَزَقَانَهُمْ يَنْفِقُونَ**، (بقره/۳/ انفال/۳؛ سجده/۱۶؛ شوری/۳۸؛ قصص/۵۴؛

حج/۳۵) و عبارات مترادف آن مثل «يَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ» (ابراهیم/۳۱)؛ «انفقوا مما رزقناهم» (فاطر/۲۹؛ رعد/۲۲) و «يلينفق مما آتاه الله» (طلاق/۷) در قرآن کریم مکرر بیان شده است. در این آیات، متعلّق انفاق مورد بررسی قرار گرفته است. این آیات به گونه‌ای ناظر به تنظیم مسائل اقتصادی نیازمندان و رفع نیازهای اقتصادی مستمندان است. ولی حقیقت انفاق، منحصر به بذل مال نیست، بلکه علم، عقل، قدرت، جاه و جان نیز مورد انفاق است؛ زیرا همه این‌ها از مصادیق رزق الهی است که خداوند به بنده خود عطا فرموده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ۱۶۹/۲)

تفسیر نمونه تعبیر «مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ» در آیه ۳ سوره انفال را تعبیر وسیعی دانسته که تمام سرمایه‌های مادی و معنوی را دربر می‌گیرد، مؤمنان، نه تنها از اموالشان، بلکه از علم و دانش‌شان، از هوش و فکرشان، از موقعیت و نفوذشان و از تمام مواهبی که در اختیار دارند، در راه بندگان خدا مضایقه نمی‌نمایند. (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴: ۸۸/۷) فخر رازی نیز در مورد متعلق انفاق، ذیل این آیه می‌گوید: «بَدَلُ الْمَالِ فِي مَرْضَةِ اللَّهِ، وَ يَدْخُلُ فِيهِ الزَّكَاةُ وَالصَّلَاةُ، وَالْإِنْفَاقُ فِي الْجِهَادِ، وَالْإِنْفَاقُ عَلَى الْمَسَاجِدِ وَالْقَنَاظِرِ». (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۴۵۲)

آیت‌الله خامنه‌ای، ذیل آیه ۳ سوره انفال «... وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يَنْفِقُونَ» نکاتی را بیان می‌فرماید «۱. انفاق یکی از نشانه‌های مؤمن است. (اما باز در اینجا مجدداً و برای چندمین بار تأکید می‌کنند که انفاق بجا خرج کردن است. خرج‌کردنی که خلئی را پر کند و نیازی را برآورده نماید). ۲. خداوند می‌فرماید از آنچه ما به آنان روزی کرده‌ایم، انفاق می‌کنند؛ پس مالک اصلی خداوند است. ۳. در این عبارت، اسمی از مال و پول برده نشده، بلکه دستور عام است و فرقی نمی‌کند از پولی که دادیم، از عمری که دادیم، از فرزندی که دادیم، از آبرویی که دادیم، از توان جسمی‌ای که دادیم، از زبانی که دادیم، از فکر و مغزی که دادیم، از همه امکاناتی که دادیم انفاق می‌کنند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۵۸) ایشان در جلسات تفسیر سوره بقره هم ضمن عام دانستن انفاق می‌فرمایند: «... و از آنچه که ما روزی آنها کرده‌ایم انفاق می‌کنند. حالا آیا این انفاق همان زکاتی است که در کتاب‌های فقهی گفته شده به ۹ چیز تعلق می‌گیرد و در غیر آن ۹ چیز زکوة نیست؟ نه این آن نیست. البته ممکن است در مورد زکوة هم ما نظرات فقهی دیگری را هم سراغ داشته باشیم و بشناسیم که دایره زکوة را بسی وسیع‌تر گرفته باشند و از آنچه که در این ۹ چیز وجود دارد و ممکن است وجود داشته باشد، اما به هر حال، این آن انفاق نیست و فراتر از آن است.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۰۷/۲۴: جلسه هشتم تفسیر سوره بقره) ایشان در تبیین مصادیق و متلقات انفاق می‌فرماید: «انفاق فقط انفاق



پول نیست؛ انفاق علم هم انفاق است. همان وقتی که بیکار هستید و می‌توانید کمک کنید به بی‌سوادی و نادانی، دانش‌تان را انفاق کنید و همین انفاق هم اتفاقاً اول فایده‌اش به خودتان می‌رسد. یعنی پیش از اینکه دیگری از علم شما استفاده کند، وقتی آن علم را تکرار می‌کنید، استفاده‌اش به خود شما می‌رسد. یا انفاق و جاهت؛ و جاهت اجتماعی و آبروتان را انفاق کنید! یک جایی ممکن است آبروی شما به درد یک مسلمانی بخورد یا به درد یک مجموعهٔ مسلمانی بخورد؛ آن را انفاق کنید و انفاقات گوناگون تا برسیم به بقیهٔ نشانه‌های متقین.» (همان) استاد مطهری نیز معتقدند، انفاق در این عبارت، معنای عامی دارد و در خود قرآن، این رزق و روزی به روزی‌های معنوی و مادی اطلاق گشته است. دانایی‌ها و دانش‌ها نیز جزء روزی‌های پروردگار است و بایستی آنان که از یک چنین رزقی برخوردارند، انفاق نموده و دیگران را نیز بهره‌مند نمایند. (مطهری، ۱۳۹۹: ۲۶/۱۲۴)

۴-۴. فرهنگ‌سازی در انفاق

دیدگاه‌ها و اظهارنظرهای آیت‌الله خامنه‌ای را در حوزهٔ انفاق می‌توان در قلمرو یک مسئلهٔ کلان، به نام عدالت قرار داد. دیدگاه‌های ایشان در قلمرو عدالت از این ویژگی و امتیاز مهم برخوردار است که به مباحث نظری صرف، بسنده نکرده و به نکات ظریفی در قلمرو استقرار عملی عدالت در عینیت جامعهٔ اسلامی توجه نموده‌اند. به باور ایشان تحسین و تمجید عدالت، عشق ورزیدن به آن و سخن گفتن فلسفی دربارهٔ آن، به تنهایی، کفایت نمی‌کند، بلکه همّت اصلی و بنیادین باید معطوف به پی‌ریزی مناسبات اجتماعی در عرصه‌های گوناگون حیات جمعی بر مبنای عدالت باشد. ایشان در این زمینه معتقدند: «در نظام اسلامی، عدالت مبنای همهٔ تصمیم‌گیری‌های اجرایی است و همهٔ مسئولان نظام، از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی تا مسئولان بخش‌های مختلف اجرایی، به خصوص رده‌های سیاست‌گذاری و کارشناسی و تا قضات و اجزای دستگاه قضایی، باید به جد و جهد و با همهٔ اخلاص، در صدد اجرای عدالت در جامعه باشند. امروز در جامعهٔ ما، برترین گام در راه استقرار عدل، رفع محرومیت از طبقات محروم و تهی‌دست و کم‌درآمد است.» (خامنه‌ای، ۳/۱۳/۳۷۰: دومین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره)) فقرزدایی و کاهش فاصله طبقاتی و تلاش برای برابری افراد در استفاده از امکانات و برابری در فرصت‌ها، از نظر آیت‌الله خامنه‌ای، از مقدمات اصلی و مبنایی عدالت اجتماعی مورد نظر اسلام است. ایشان می‌فرماید: «به نظر عدالت، کاهش فاصله‌های طبقاتی است؛ کاهش فاصله‌های جغرافیایی است.

این جور نباشد که اگر منطقه‌ای در نقطه جغرافیایی دور از مرکز کشور، قرار گرفته است، دچار محرومیت باشد، اما آنجایی که نزدیک است، برخوردار باشد. این عدالت نیست. هم فاصله‌های طبقاتی باید برداشته شود؛ فاصله‌های جغرافیایی باید برداشته شود و هم برابری در استفاده از امکانات و فرصت‌ها باید به وجود آید.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱/۱: سخنرانی در اجتماع زائران مشهد مقدس)

ایشان در زمینه فرهنگ‌سازی و ایجاد عادت برای انفاق می‌فرمایند: «وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ؛ این انفاق چیز بسیار خوبی است! در هر حدی که هستید، عادت کنید به انفاق کردن؛ انفاق حقی محرومان بر ماست نه تفضل ما بر آنها.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۰۷/۲۴: جلسه هشتم تفسیر سوره بقره) در بیان ایشان سه نکته بسیار مهم قابل توجه است: ۱. خوب و حسنه و خیر بودن انفاق؛ ۲. عادت دادن خود به انفاق، یعنی نهادینه کردن فرهنگ انفاق؛ ۳. نکته سوم که بسیار قابل توجه و تأمل است، اینکه ما بر اثر انفاق، روحیه طلبکاری پیدا نکنیم و احساس برتری و یا تفضل بر دیگران به ما دست ندهد، بلکه این باور را داشته باشیم که حقی از دیگران در دست ما بود و ما از راه انفاق، آن حق و دین را ادا کردیم.

در بیان دیگری، ایشان به تفصیل در مورد فرهنگ‌سازی انفاق می‌فرمایند: «روح انفاق و نیکوکاری، بایستی در جامعه توسعه پیدا کند و جزو ایمان مردم بشود و هرکس بنا را بر این بگذارد که در اموالش (وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ) واقعا برای محرومان حق قائل باشد؛ یعنی این را حقی آنها بر خودش بداند؛ تفضل خودش بر دیگران نداند؛ قرآن این طوری می‌گوید؛ نمی‌گوید که شما به دیگری تفضل می‌کنید؛ می‌گوید او در مال شما حق دارد؛ "حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ" (الذاریات/۱۹) در جای دیگر می‌فرماید: "حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ." (معارف/۲۴ و ۲۵) به هر حال، ما در جامعه اسلامی، باید این را به عنوان یک فرهنگ در بیاوریم.» (خامنه‌ای، ۱۳۳۷۰/۱۲/۱۴: دیدار مسئولان کمیته امداد امام خمینی (ره))

۴-۵. آثار و فوائد انفاق

برای انفاق آثار و فوائد فراوانی اعم از دنیوی و اخروی ذکر شده است؛ از جمله در آیه ۲۷۲ سوره بقره، به طور مستقیم، به آثار تقوا اشاره نموده و می‌فرماید: «وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا لِيَتَّبِعَهُ اللَّهُ وَجْهَهُ اللَّهُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُّؤْتِ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ؛ و هر مالی که انفاق می‌کنید، ثوابش از آن خود شماست و جز برای خشنودی خدا چیزی انفاق نکنید و هر چه انفاق کنید، پاداش آن به شما می‌رسد و بر شما ستم نخواهد شد.» طبرسی در مجمع‌البیان ذیل این آیه می‌فرماید: «غرض از این آیه، ترغیب و تشویق به انفاق است؛ چراکه وقتی



انسان بداند که منفعت و سود انفاقش به خودش بازمی‌گردد، به انفاق مشتاق‌تر و علاقمندتر می‌گردد و در این جهت، انفاقِ انسان با انفاقِ خدا تفاوت می‌نماید؛ چرا که فائده انفاقات خداوند به مردم بازمی‌گردد نه به خودش؛ در حالی که بیشتر منافع انفاقات مردم به خودشان بازمی‌گردد.» (طبرسی، ۱۴۱۵: ۲/۲۰۰) علامه طباطبایی نیز در تفسیر این آیه کریمه می‌فرماید: «ممکن است کسی خیال کند که این فایده‌ای که از ناحیه انفاق عاید انفاق‌کنندگان می‌شود، صرف اسم است و مسمی واقعیت خارجی ندارد. به همین جهت، این آیه به بیان فائده انفاق پرداخته و بیان می‌دارد، آنچه انفاق کنید، بدون کم‌وکاست، به شما برمی‌گردد و کمترین ستمی بر شما نخواهد شد. این منفعتی که شما را به سویش می‌خوانیم (پاداش‌های دنیایی و آخرتی انفاق)، امری موهوم نیست، بلکه امری است حقیقی و واقعی که خدای تعالی آن را بدون اینکه چیزی از آن گم شده باشد و یا کم کرده باشد، به شما خواهد رساند.» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲/۶۱۲) در ابتدا، چنین به نظر می‌رسد که منظور از بازگشت منافع انفاق به انفاق‌کننده، همان پاداش و نتایج اخروی آن باشد؛ البته این معنی صحیح است، ولی نباید تصور کرد که سود انفاق تنها جنبه اخروی دارد، بلکه در این دنیا نیز به سود آنها است؛ هم از جنبه «معنوی» و هم از جنبه «مادی». از نظر معنوی، روح گذشت و بخشش و فداکاری و نوع دوستی و برادری را در انفاق‌کننده پرورش می‌دهد و در حقیقت، وسیله مؤثری برای تکامل روحی و پرورش شخصیت اوست.» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۲/۳۵۴) آیت‌الله خامنه‌ای، با بررسی و تحلیل فواید انفاق، به نکات قابل تأملی اشاره می‌کنند؛ از نظر ایشان انفاق دارای دو فایده است: یک فایده، فایده نقد و تخلف‌ناپذیر و همگانی و آن عبارت است از فایده‌ای که به انفاق‌کننده می‌رسد. و فایده دوم: فایده محتمل و نه چندان همگانی که به انفاق‌شونده می‌رسد. درست برعکس آن چیزی که در تصور عمومی مردم وجود دارد. همه خیال می‌کنند ما که انفاق می‌کنیم و خرج می‌کنیم، به انفاق‌شونده، یعنی به آن کسی که پول می‌دهیم، فایده می‌رسد؛ در حالی که، این طور نیست؛ یعنی قبل از آنکه به گیرنده فایده برسد، اولین فایده به انفاق‌کننده رسیده است. (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۰۷/۲۴: جلسه هشتم تفسیر سوره بقره)

ایشان می‌فرماید: «من یک وقتی در گذشته پیرامون بحث انفاق و زکوة می‌گفتم، شما که دست در جیب کردی و این پول را درآوردی تا رساندی دست گیرنده، فایده بردی و واقعیت همین است. چرا؟ چون اصل قضیه دل‌کندن از آن چیزی است که شما آن را متعلق به خودتان می‌دانید و این کار بزرگ است که در آیه

شریفه قرآن می‌فرماید: "وَمَنْ يَوْقُ شُحَّ نَفْسِهِ فَاُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ". کسی که نگاه داشته شود از شح، اورستگار است و مشکل دنیای امروز همین است... فایده دوم، آن فایده‌ای است که به انفاق شونده می‌رسد. لکن این فایده دوم، مشکوک است و همیشه چنین فایده‌ای مترتب نمی‌شود. گاهی شما انفاق می‌کنید، در جای خودش نیست. انفاق می‌کنید، اما شرایط دیگر برای خوشبخت شدن آن شخص یا آن جمع وجود ندارد، یعنی پول به دست‌شان رسیده، اما نتوانسته‌اند استفاده کنند. شرایط دیگر نبوده؛ پس وقتی شما انفاق می‌کنید، نمی‌توانید یقین داشته باشید که به آن فایده دوم که رسیدن به پرکردن خلأ است، حتماً رسیده‌اید؛ البته این شک نباید موجب شود تا انسان انفاق نکند، بلکه باید انفاق بکند، ولو مشکوک باشد که در طرف مقابل به نتیجه برسد یا نه. اما آنچه که هرگز تخلف نمی‌شود، آن فایده‌ای است که به انفاق‌کننده می‌رسد.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۰۷/۲۴: جلسه هشتم تفسیر سوره بقره)

۵. انفاق و مواسات در جامعه

مواسات، اصطلاحی است که ناظر به سبک زندگی اسلامی و از مهم‌ترین وظایف اخلاقی و عاطفی انسان در برابر هم‌نوعان است. این واژه به معنای همراهی کردن و کمک کردن به برادر مؤمن در همه امور است. (معین، ۱۳۷۱: ۴/۴۴۱۸) واژه مواسات، ناظر به وضعیتی است که آدمی بخشی از مال خویش را در اختیار نیازمندی قرار دهد و او را در استفاده از مال خود، مساوی با خود و شریک قرار دهد. آیت‌الله خامنه‌ای، ضمن دعوت عموم مردم به مواسات در جامعه، با الهام از فرهنگ اصیل قرآنی در قالب انفاقات به معنای عام کلمه، آن را علاج کوتاه‌مدت و میان‌مدت در حل مشکلات اقتصادی آحاد مستضعف و محروم جامعه می‌داند. هرچند از نگاه ایشان، اصل برقراری عدالت اجتماعی است. ایشان در این زمینه می‌فرماید: «علاج فقر، به شکلی اصولی، در هر جامعه‌ای، از راه استقرار عدالت اجتماعی و نظام عادلانه در محیط جامعه است تا کسانی که اهل دست‌اندازی به حقوق دیگرانند، نتوانند ثروتی را که حقی همگان است، به سود خود مصادره کنند. این یک وظیفه دولتی و حکومتی است؛ اما مردم هم به نوبه خود، وظیفه سنگینی بر دوش دارند. اجرای برنامه‌های اجتماعی، فقط در بلندمدت و میان‌مدت و به تدریج، امکان‌پذیر است، اما نمی‌شود منتظر ماند تا برنامه‌های اجتماعی به ثمر برسد و شاهد محرومیت محرومان و فقر گرسنگان در جامعه بود. این وظیفه خود مردم و همه کسانی است که می‌توانند در این راه تلاش کنند. همه باید خود را موظف به مواسات بدانند. مواسات یعنی هیچ



خانواده‌ای از خانواده‌های مسلمان و هم‌میهن و محروم را با دردها و محرومیت‌ها و مشکلات خود، تنها نگذاشتن؛ به سراغ آنها رفتن و دست کمک‌رسانی به‌سوی آنها دراز کردن. امروز این یک وظیفهٔ جهانی برای همهٔ انسان‌هایی است که وجدان و اخلاق و عاطفهٔ انسانی دارند؛ اما برای مسلمانان، علاوه بر اینکه یک وظیفهٔ اخلاقی و عاطفی است، یک وظیفهٔ دینی است.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۰۹/۱۵: خطبه‌های نماز عید فطر)

«عده‌ای هستند که در این شرایط و در این اوضاع، حقیقتاً زندگی‌شان به‌سختی گذران است و نمی‌توانند زندگی معمولی عادی خودشان را اداره کنند؛ مردمی که دستشان باز است و توانایی دارند، بایستی در این زمینه، فعالیت وسیعی را شروع کنند. در صلوات شریف «شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ»، می‌خوانیم: «وَارْزُقْنِي مَوَاسَاةً مَّن قَرَّرْتَ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا وَسَعَتْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ... وَأَحْيَيْتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ»؛ یعنی این یکی از کارهای لازمی است که بایستی انجام بگیرد؛ به خصوص که ماه رمضان در پیش است. ماه رمضان، ماه انفاق است؛ ماه ایثار است؛ ماه کمک به مستمندان است؛ چه خوب است که یک رزمایش گسترده‌ای در کشور به وجود بیاید برای مواسات و همدلی و کمک مؤمنانه به نیازمندان و فقرا که این اگر اتفاق بیفتد، خاطرهٔ خوشی را از امسال، در ذهن‌ها خواهد گذاشت. ما برای اینکه ارادتمان به امام زمان ثابت بشود، بایستی صحنه‌ها و جلوه‌هایی از جامعهٔ مهدوی را خودمان به وجود بیاوریم که عرض کردیم؛ جامعهٔ مهدوی، جامعهٔ قسط و عدل است و جامعهٔ عزت است؛ جامعهٔ علم است؛ جامعهٔ مواسات و برادری است؛ این‌ها را بایستی ما در زندگی خودمان تحقق ببخشیم، به‌قدر امکان خودمان؛ این ما را نزدیک می‌کند.» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹/۱/۲۱)

تقویت روحیهٔ انفاق یکی از کلیدی‌ترین راهکارها در مبارزه با فقر است. در جامعهٔ اسلامی، این روحیه باید به‌گونه‌ای رشد یابد که هرکس در اموال خود حقی برای محرومان قائل باشد: «باید کاری بشود که هرکس خودش را موظف بداند که انفاق کند. آن کسانی که بیشتر درآمد دارند، نسبت انفاق را بیشتر کنند. آن کسانی که کمتر درآمد دارند، باب رانندند؛ به همان نسبت انفاق کنند... روح انفاق و نیکوکاری بایستی در جامعه توسعه پیدا کند و جزو ایمان مردم بشود و هرکس بنا را بر این بگذارد که در اموالش (وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ) واقعاً برای محرومان حق قائل باشد، در جامعهٔ اسلامی باید این را به‌عنوان یک فرهنگ در بیاوریم.» (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۲/۱۴: دیدار مسئولان کمیتهٔ امداد امام خمینی (ره)) در تثبیت فرهنگ انفاق، باید به این نکته توجه داشت که انفاق در واقع، سرمایه‌گذاری

است نه اتلاف مال و نیرو و... : «هرچه در راه خدا می‌دهیم، برای ما می‌ماند و درحقیقت، برای «من» واقعی خودمان خرج کرده‌ایم. هرچه برای خودمان نگه می‌داریم، درحقیقت، برای ما نمی‌ماند و مثل همه چیز دیگر دنیا، از بین خواهد رفت... هرچه از مال و ثروت دنیا دادید، برای شما خواهد ماند.» (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۰۴/۲۸: مراسم دیدار مسئولان احداث مرقد امام خمینی(ره))

نتیجه‌گیری

یکی از مسائل و معضلات بزرگ اجتماعی در هر جامعه‌ای در اعصار مختلف، فقر، محرومیت و نظام‌های طبقاتی است که در سایه شوم تبعیض و بی‌عدالتی، پدیدار گشته و با سایه افکندن بر روابط انسان‌ها، مشکلات فراوانی در سطح جامعه به وجود می‌آورد. در آموزه‌ها و تعالیم قرآن کریم، یکی از راه‌های مبارزه با این معضل در کنار برقراری عدالت اجتماعی، انفاق است. انفاق به معنی عام آن، از جمله ابزاری است که می‌تواند تا حدود زیادی بر روابط اقتصادی انسان‌ها و اқشار مختلف جامعه، تأثیر گذاشته و با ایجاد تعدیل، فاصله‌های طبقاتی را کمتر نموده و یا به‌کلی، نابود سازد. مفسرین قرآن کریم، بحث انفاق را که در آیات متعددی از قرآن کریم مطرح گردیده، از ابعاد و زوایای گوناگون مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. یکی از ابعاد بسیار مهم و اساسی بحث انفاق، تأثیر و نقش اجتماعی آن است. مفسرین معاصر، مثل علامه طباطبایی و آیت‌الله مکارم شیرازی، بیش از پرداختن به بحث از ابعاد اخلاقی و تربیتی انفاق، از تأثیرات اجتماعی آن سخن گفته‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای نیز در مجموعه مباحثی که به مناسبت‌های گوناگون در تفسیر آیات مربوط به انفاق داشته‌اند، از زوایای خاصی در مورد تأثیر اجتماعی انفاق صحبت کرده‌اند. دیدگاه‌های ایشان در مورد انفاق به‌گونه‌ای در برخی موارد، متمایز از سایر مفسرین است. از نظر ایشان آیات انفاق بیان‌کننده توصیه‌های اخلاقی صرف نیست، بلکه بیانگر حکمی شرعی است که در حکم عملی واجب و لازم، باید وظیفه‌ای عمومی و همگانی تلقی گردد. ایشان بر این باورند که اصل انفاق و بالاترین حد آن، این است که فردی یک خلأ ساختاری و اساسی را در جامعه شناسایی و پر کند؛ لذا کار انسان‌های باهوش و عاقل این است که خلأ یک ملت را در کلان مسئله شناسایی کرده و آن را پر می‌کنند. انفاق واقعی، انفاق انسان‌هایی است که نخست خلأها و نیازها را شناسایی می‌کنند و سپس با حضور به موقع و مؤثر، به دنبال پر کردن خلأها و نیازها هستند.



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه استاد محمد مهدی فولادوند.
۲. ابن فارس، احمد (۱۳۹۹). «مقائیس اللغة». بیروت: دارالفکر.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). «لسان العرب». بیروت: دار صادر، چاپ دوم.
۴. جمالی، یعقوب و محمد جمال خلیلیان اشکذری (۱۳۹۹). «انفاق، ایثار و مواسات مالی و نقش هریک در توزیع درآمد و ثروت جامعه اسلامی»، فصلنامه معرفت، شماره ۲۷۲، صص ۸۱ تا ۹۰.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). «تسنیم». قم: مرکز نشر اسراء، چاپ چهارم.
۶. حکیمی و همکاران، محمد رضا (۱۳۸۳). «الحیاه»، ترجمه احمد آرام، ج ۴. قم: دلیل ما، چاپ چهارم.
۷. حکیمی، محمد رضا (۱۳۸۹). «جامعه سازی قرآنی». قم: دلیل ما، چاپ نهم.
۸. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲). «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن». تهران: مؤسسه ایمان جهادی.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). «المفردات فی غریب القرآن»، به تحقیق صفوان عدنان داودی. بیروت: دارالقلم، الدار الشامیه.
۱۰. سعدی، مصلح بن عبدالله (۱۳۶۳). «کلیات سعدی». تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم.
۱۱. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۴). «تفسیر المیزان»، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ ۵.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، به تحقیق محمد جواد بلاغی. تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
۱۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵). «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، به تحقیق محمد جواد بلاغی. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۴. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵). «تفسیر نور الثقلین»، به تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی. قم: انتشارات اسماعیلیان، چاپ چهارم.
۱۵. عمید، حسن (۱۳۶۰). «فرهنگ فارسی». تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
۱۶. فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). «التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)». بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۱۷. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۳۸۶). «تفسیر کبیر مفاتیح الغیب»، ترجمه علی اصغر حلبی. تهران: اساطیر.
۱۸. فیروز آبادی، مجدالدین (۱۴۲۶). «القاموس المحیط». بیروت: مؤسسه الرساله للطباعة والنشر والتوزیع، چاپ هشتم.
۱۹. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۶۱). «قاموس قرآن». تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم.
۲۰. کاظمی نسب، رحمان و محمد ناصر داوودی (۱۳۹۹). «نقش اجتماعی و اقتصادی انفاق از منظر قرآن»، پژوهش و مطالعات اسلامی، سال دوم، شماره ۱۴، صص ۱۳ تا ۲۲.
۲۱. مطهری، مرتضی (۱۳۹۹). «مجموعه آثار»، ج ۲۶. تهران: صدرا.
۲۲. معین، محمد (۱۳۷۱). «فرهنگ فارسی». تهران: امیر کبیر.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). «تفسیر نمونه». تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم.
۲۴. پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای، KHAMENEI.IR.

References

1. The Holy Quran, translated by Professor Mohammad Mehdi Foladvand.
2. Ibn Faris, Ahmad (1399). "Synonyms". Beirut: Dar al-Fekr.
3. Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram (1414). "Languages of the Arabs". Beirut: Dar Sadir, second edition.
4. Jamali, Yaqub and Mohammad Jamal Khalilian Ashkazari (2019). "Charity, self-sacrifice and financial support and the role of each in the distribution of income and wealth of the Islamic society", Marafat Quarterly, No. 272, pp. 81-90.
5. Javadi Amoli, Abdullah (1383). "Tasnim". Qom: Isra Publishing Center, 4th edition.
6. Hakimi et al., Mohammad Reza (1383). "Al-Hayyah", translated by Ahmad Aram, vol.4. Qom: Our reason, fourth edition.
7. Hakimi, Mohammad Reza (1389). "Qur'anic socialization". Qom: Our reason, 9th edition.
8. Khamenei, Seyyed Ali (2012). "Outline of Islamic thought in the Qur'an". Tehran: Iman Jihadi Institute.
9. Ragheb Esfahani, Hossein bin Mohammad (1412). "Al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an", researched by Safwan Adnan Davoudi. Beirut: Dar al-Qalam, Al-Dar al-Shamiya.
10. Saadi, Mosleh bin Abdullah (1363). "Kliat Saadi". Tehran: Amir Kabir Publishing House, 4th edition.
11. Tabatabai, Mohammad Hossein (1374). "Tafseer al-Mizan", translated by Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Hamdani. Qom: Islamic Publications Office of the Qom Seminary Society of Teachers, 5th edition.
12. Tabarsi, Fazl bin Hasan (1372). "Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an", researched by Mohammad Javad Balaghi. Tehran: Nasser Khosrow Publishing House, third edition.
13. Tabarsi, Fazl bin Hasan (1415). "Majem al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an", researched by Mohammad Javad Balaghi. Beirut: Al-Alami Publishing House.
14. The wedding of Hawizi, Abd Ali bin Juma (1415). "Tafseer Noor al-Saghalin", researched by Seyyed Hashem Rasouli Mahalati. Qom: Ismailian Publications, 4th edition.
15. Omid, Hassan (1360). "Persian culture". Tehran: Amir Kabir Publishing House.
16. Fakhrazi, Muhammad bin Omar (1420). "Al-Tafseer al-Kabir (Mufatih al-Ghayb)". Beirut: Dar Ihya Al-Tarath al-Arabi, third edition.
17. Fakhr Razi, Muhammad bin Omar (1386). "Tafsir Kabir Mufatih al-Ghaib", translated by Ali Asghar Halabi. Tehran: Asatir.
18. Firouzabadi, Majaduddin (1426). "Environmental Dictionary". Beirut: Al-Risalah Foundation for Printing and Publishing and Distribution, 8th edition.
19. Qureshi, Seyyed Ali Akbar (1361). "Qur'an Dictionary". Tehran: Darul Kitab al-Islamiya, third edition.
20. Kazemi Nasab, Rahman and Mohammad Nasser Davoodi (2019). "The social and economic role of charity from the perspective of the Qur'an", Islamic research and studies, second year, number 14, pp. 13-22.
21. Motahari, Morteza (2019). "Collection of works", vol. 26. Tehran: Sadra.
22. Moin, Mohammad (1371). "Persian culture". Tehran: Amir Kabir.
23. Makarem Shirazi, Nasser (1374). "Sample Interpretation". Tehran: Dar al-Kitab al-Islamiya, 10th edition.
24. The information base of the Office of Preservation and Publication of the Works of Grand Ayatollah Seyyed Ali Khamenei, KHAMENEI.IR.